

نظری سدهايش فلان و حق در ايران

چگونه ذوق ایرانی بکار بردن دخانیات را با زیبایی و هنر میآمیزد

محمد حسن سمسار

موزه‌دار موزه هنرهای تزئینی

دارند، شبیه به لوله آتش‌بازی که اطفال در عید بازی میکنند. يك سر آنرا آتش زده، و سر دیگر را می‌مکند، و دود آنرا با هوا استنشاق میکنند. این استنشاق دود، يك نوع مستی و رخوت ایجاد میکند، و انسان خستگی را حس نمی‌نمود. این لوله‌ها را بومیان تاباکوس مینامیدند». باین ترتیب در ایران نوردان اسپانی اولین بار توتون را شناخته و بتقلید از بومیان بکشیدن آن پرداختند. کریستف کلمب هرگز فکر نمی‌کرد، این لوله‌های شبیه با سباب بازی کودکان، روزی همنشین و همدم گروه بسیار زیادی از مردم جهان خواهد گردید.

کریستف کلمب نمیتوانست، در مغز خود مجسم سازد، که قرن‌ها بعد، این هدیه دنیای جدید، پول و سلامت مردم متمدن را بصورت دود با آسمان خواهد فرستاد. و باز او فکر نمی‌کرد که، قرن‌ها پس از او نهضتی عظیم برای جلوگیری از استعمال این هیولای سیاه بر پا خواهد گردید. و این لوله شبیه با سباب بازی کودکان «میخ تابوت» لقب خواهد گرفت.

گفتیم که برای اولین بار اسپانیولی‌ها، در جزیره کوبا با توتون و تنباکو آشنا شدند. بومیان امریکا، باین گیاه بومی سرزمین خود از دیرباز آشنا بودند، و از آن بعنوان وسیله دود کردن استفاده میکردند. طرز استفاده آنها از توتون بدین قرار بود که، مقداری از آنرا در برگهای ذرت میریختند و نوعی سیگار، شبیه سیگار برگ میساختند.

روش دیگری نیز برای کشیدن توتون بکار میبردند، و آن بدین طریق بوده که، مقداری توتون در نی یا استخوان ریخته آنرا آتش میزدند و میکشیدند، و این روشی است که بعدها سبب ایجاد پیب در غرب و چیق در شرق گردید.

در اعیاد و با مراسم دیگر نیز، بومیان بوته‌های تنباکورا، با برگ و ساقه روی هم انباشته و آتش میزدند، و در اطراف آن

از ویژگیهای زندگی ایرانی، آمیختگی شدید هنر با زندگی روزمره است. هیچ امری از امور زندگی مادی ما، از آمیختگی با هنر عاری نیست. اما چشم‌های ما آنچنان با این زندگی خو گرفته، که اغلب زیبایی‌های آنرا کمتر درک میکنیم، و گاهی درک بهتر آن محتاج بدقت و تیزبینی، و احتمالا یادآوری است. ویژگی دیگری که باید از آن سخن گفت، دگرگون کردن، و برنگ ایرانی در آوردن آداب و رسوم است که گاه و بیگاه ما از دیگران اقتباس کرده‌ایم.

بشهادت تاریخ، سنن غیر ایرانی که با ایران وارد شده، یا احتمالا تحمیل گردیده، پس از مدتی آنچنان رنگ ایرانی بخود گرفته، که صاحبان اصلی آن، توانائی شناختن آنرا نداشته‌اند. زیرا ایرانی آنرا مطابق ذوق لطیف خود دگرگون ساخته است. این دگرگونی بیشتر در نتیجه ذوق زیبا پسند ایرانیان بوده، که همیشه و در همه حال زندگی را با هنر آمیخته‌اند.

از مواردی که میتوان بر این موضوع شاهد آورد دخانیات، یعنی توتون و تنباکو، و روش دود کردن آن است.

برای درک بهتر دگرگونی و آمیختگی امر بکار بردن دخانیات، با زیبایی و هنر، بد نیست که چند قرن بعقب برگردیم، تا بدانیم که، توتون و تنباکو از کجا وارد تمدن بشر گردیده، و چگونه راه خود را باز و طی کرده است.

در سال ۱۴۹۲ میلادی وقتیکه کاشف بزرگ، کریستف کلمب، پس از ماه‌ها تلاش و کوشش، در کنار جزیره‌ای که امروز بکوبا مشهور است لنگر انداخت، با جهانی روبرو شد که ناز گیاهای فراوانی برای او داشت. او و همراهانش در این جزیره ناشناس دیدنیهای جدیدی مشاهده کردند. آنها «دیدند» بومیها لوله‌ای از برگ خشک گیاهی که بهم پیچیده‌اند در دست

بدست افشانی میپرداختند.

احتمالاً تنباکو بعنوان دارو نیز مورد مصرف داشته است. بومیان آمریکا، زهری نیز از تنباکو میگرفتند که نونک نیزه‌های خود را با آن زهر آلود میساختند. این ارمغان دنیای جدید در قرن ۱۶ باسپانیا برده شد، و پس از آن در سایر کشورهای اروپا پراکنده گردید. در سال ۱۵۸۶ سر والتر رالی مشهور به «پدر امریکای انگلیس» در زمان سلطنت الیزابت اول، کشیدن پپراکه در آمریکا با آن آشنا شده بود با انگلستان آورد، و دود کشی با سرعت سرسام‌آوری در انگلستان و سایر نقاط جهان در قرن ۱۶ رواج یافت. حیرت‌آور آنکه سر والتر رالی، آنچنان بکشیدن پپ معناد شد، که هنگامیکه در سال ۱۶۱۸ او را بجرم خیانت و شرکت در توطئه اعدام می‌کردند، پپ در گوشه دهان داشت.

کشیدن توتون مانند همه چیز جدید دیگر، با مخالفت شدید عده‌ای روبرو گردید. در رأس مخالفین دود کشی در اروپا، کشیشان قرار داشتند که دود کشان را به بی‌دینی و زندگه متهم ساختند. اما این تهمت نتوانست از توسعه دود کشی جلوگیری کند. بزودی دود کشی چون مرضی همه‌گیر از اروپا با آسیا و آفریقا سرایت کرد، و در قرن ۱۷ میلادی کشیدن توتون در سراسر مشرق گسترش یافت. اما در شرق نیز دود کشی مواجه با مخالفت‌های شدید شد.

سلطان مرادخان چهارم، بفتوای ملایان، هزاران بیگانه را بجرم کشیدن توتون بدیار نیستی فرستاد. دود کشان در سلك مرندین بحساب آمدند، و ریختن خون آنها مباح گردید. در مدت سلطنت سلطان مراد خان (۱۰۳۳-۱۰۴۸) با قساوت هر چه بیشتر، دود کشان امپراطوری عثمانی زیر تیغ جلاد رفتند. اما نتیجه‌ای حاصل نشد. پس از مرگ او کشیدن چپق با شدت هر چه تمامتر توسعه یافت و تجارت پرسود توتون رونق گرفت. باین ترتیب مبارزه خونین بسود توتون خاتمه یافت. دولت عثمانی ناچار کشیدن توتون را آزاد کرد و بر تجارت آن مالیات بست.

در روسیه نیز وضع بهمین منوال بود و مدتی دود کشی با مخالفت روبرو شد.

توتون و تنباکو در ایران

تاریخ قطعی ورود تنباکو بایران را نمیتوان تعیین کرد. ولی بی‌شک توتون و تنباکو همراه با دست‌اندازی پرتقالیها بخلیج فارس (۹۱۳ هـ - ق) بایران وارد گردیده است. اما طرز استفاده توتون و تنباکو در ایران تغییر یافت و ایرانیان لوازمی برابر ذوق خود برای دود کشی ایجاد کردند. وسیله‌ای که اروپائیان برای دود کردن بکار میبردند، عبارت بود از پیپهای کوچکی که از فلز یا سفال یک پارچه ساخته

میشد.

در ایران این پیپها اقتباس شد و بصورت چپق‌های دسته بلند درآمد. چنانکه درویش‌گیهای زندگی ایرانی گفتیم، این وسیله کشیدن توتون نیز با ذوق و هنر ایرانی درهم آمیخت، و پیپ ساده تبدیل بچپق گردید، و در تزیین آن سلیقه خاص ایرانی بکار رفت و چپق‌های ایرانی با انواع مختلف تزیینات آراسته گردید.

علاوه بر چپق که تقلیدی از پیپ فرنگی بود، وسیله دیگری برای دود کردن تنباکو بنام قلیان توسط ایرانیان اختراع و ایجاد گردید.

قدیمترین ذکری که از قلیان در ادبیات فارسی شده، این رباعی از اهلی شیرازی است که در سال ۹۴۲ هـ - ق در گذشته است.

« قلیان زلب تو بهره‌ور میگردد »

« نی در دهن تو نیشکر میگردد »

« برگرد رخ تو دود تنباکو نیست »

« ابريست که برگرد قمر میگردد . »

بنابر این میتوان گفت که در سال ۹۴۲، یعنی ۲۹ سال پس از ورود پرتقالیها بخلیج فارس، قلیان کشیدن در ایران رواج یافته است.

شعراي ديگر قرن دهم هجری نیز اشعاری در باره قلیان دارند.

« قلیان که بردست چو گل جای نمود »

« هر دم بر او شمع نهد سر بسجود »

« گلزار دماغ شعله آشامان را »

« سر چشمه آتشت و فواره دود »

میرالهی

« کمتر باشد مرا غم تنهائی »

« مایوس شدم بعالم تنهائی »

« صحبت بکسی گو، که اگر نیست چه باک »

« قلیان کافیت همدم تنهائی »

باسطی

« من و صد آه و افغان و، نی صد بوسه بر لعش »

« هزاران پیچ و تابم داد از این قلیان کشیدنها »

« با قرچلمی^۱ چو نافه آهوکو »

« چون فاخته تاجدز نم کو کو کو »

« در محشر اگر آتش دوزخ بینم »

« فریاد بر آورم که تنباکو کو »

باقر کاشی

۱ - چلم: سر قلیان یا قلیان.



تصویر ۱ - نشی کماندار - کار رضاعی

اولین تصویری که از قلیان بوسیله هنرمندان ایرانی کشیده شده، احتمالاً تصویر نشی کماندار کار رضا عباسی، نقاش مشهور دربار شاه عباس بزرگ است، که تا اواخر نیمه اول قرن یازدهم هجری زنده بوده است. (تصویر شماره ۱) قلیان وسیله‌ای کاملاً جدید و ابتکاری بود، و اروپائیان از آن هیچگونه اطلاعی نداشتند. این بی‌اطلاعی را میتوان از شرحی که تاورنیه و شاردن از قلیان داده‌اند درک کرد.

تاورنیه مینویسد: « ایرانیان تنباکورا بادنستگاهی کاملاً اختصاصی میکشند. در کوزه گلی دهان گشادی بقطر سه انگشت، تنه قلیانی از چوب یا نقره که سوراخی در وسط دارد قرار میدهند، و بر سر آن مقدار تنباکوی نم‌دار با کمی آتش میگذارند، و در زیر قلیان سوراخ ممتدی است که، در حالیکه نفس را بالا میکشند، دود تنباکو با شدت از امتداد سوراخ پائین آمده و داخل آب که برنگهای مختلف میآمیزد داخل میشود. این کوزه مرتباً تا نصفه آب دارد. دود که در آب است بسطح میآید و هنگامیکه نفس را بالا میکشند، از نی قلیان دود بددهان وارد میشود. بواسطه آبی که بقلیان میریزند دود تنباکو تصفیه میشود و کمتر ضرر میرساند. والا باینهمه قلیان که میکشند، مقاومت برای آنها غیر ممکن است. ایرانیان زن و مرد، بطوری از جوانی عادت بکشیدن تنباکو کرده‌اند، که کاسی که باید روزی پنج شاهی خرج کند، سه شاهی آنرا بمصرف تنباکو میرساند. میگویند اگر تنباکو نمیداشتیم چطور ممکن بود کیف و دماغ داشته باشیم. »

« ایرانیان چنان به تنباکو عادت کرده‌اند، که محال است بتوانند از آن صرف نظر کنند. اول چیزی که در سفره میآورند قلیان است و قهوه، که عیش خود را با آن شروع میکنند. در ماه رمضان و ایام صوم بزرگ، اول چیزی که برای افطار حاضر میکنند قلیان است، و بعضی‌ها خود اقرار دارند که استعمال این قدر دود برای آنها مضر است اما میگویند چکنیم عادت شده است. »

تاورنیه نوشته است که شاه صفی خود چپق میکشید و دربارہ حاکم قم و خشم شاه صفی، و مجازات او مینویسد « پسر آن خان که جوان متشخصی بود و از مقربین پادشاه، همیشه در حضور بود، و چپق و توتون شاهر را بایستی بادت خود باو بدهد، و این از مشاغل خیلی محترم دربار ایران است. » این نوشته تاورنیه میرساند که از این زمان سمت

۲ - اغلب در قلیان گلاب یا برگ گل میریختند تا آب خوشبو شود. بعضی نیز برگ گل را برای زیبایی داخل آب کوزه قلیان میریختند، زیرا هنگام قلیان کشیدن این گلها در آب بالا و پائین رفته، منظره‌ای زیبا ایجاد میکند. هنوز هم این عادت در میان ایرانیان که قلیان میکشند وجود دارد.

مخصوصی بنام قلیان‌دار یا چپق‌دار در دربار ایران بوجود آمده است.

شاردن در این باره مینویسد: « توتون از ایران بهند صادر میگردد. »

« طرز تهیه توتون در ایران برای ممالک ما (اروپا) مجهول می‌باشد. و دود کردن این نبات، در ایران و هندوستان اصول کاملاً خاصی دارد. هوای این سرزمین (ایران) بسیار

وخشونت وغلظت تنباکو کاسته شده، و تصفیه گردیده است. مشاهده میشود اشخاصیکه اشتهای خوب دارند غلیان عظیم و غرغر زیادی باکشش هوا در آن قلیان راه میاندازند. این بطریها (کوزه قلیان) را معمولاً برای حسن منظر مملو از گل میکنند، و اقلاً روزی یک بار آب آنرا که در نتیجه تأثیر جوهر تنباکو فاسد و بدبو گشته تعویض میکنند. من آزموده‌ام که، یک قدح از این آب، داروی سریع و بسیار مؤثر فی‌آوری میباشد. اشتیاق جنون‌آمیز به توتون و تنباکو یک نوع عادت زشتی است که تقریباً سراسر جهان را گرفته است.»

«مردمان مغرب زمین چنانکه معلوم است بطریق مختلف آنرا استعمال مینمایند. دود میکنند، برگ برگ میکنند، بشکل گرد مصرف میکنند. و بعضی از اقوام مانند پرتغالیها مدام بینی خود را با آن پرمیدارند (انفیه میکشند).» خلق‌های مشرق‌زمین توتون و تنباکو را فقط دود میکنند. ولی اکثر آنان مخصوصاً ایرانیان، با همان حرص و ولع اروپائیان، مدام لوله قلیان در دهانشان میبندند. این تمایل شدید بکشیدن قلیان بجائی رسید که در حال سواری نیز قلیان کشیدن مرسوم بوده است. شاردن مینویسد که «حتی در مدارس استاد و شاگرد هر دو در حین مطالعه عمیق و دقیق خود لوله قلیان را در دهان دارند.»

بنابراین باید گفت که، چیق و قلیان هر دو در نیمه اول قرن دهم هجری در ایران رواج یافته است. در سلطنت شاه عباس بزرگ کشیدن چیق و قلیان متداول بود.

اولناریوس که در سال ۱۰۴۶ در ایران بوده مینویسد که «چندین گونه ظرف قلیان در ایران ساخته میشود. شیشه‌ای، کوزه‌ای، از جوز هندی (نارگیله)، کدوئی که تا نیمه آب میشود و گاهی در آن عطر میریختند». شخص شاه عباس ازدود قلیان و چیق تنفر داشت، و این موضوع از حکایاتی که درباره او نقل میکنند پیداست. شاه عباس در موارد متعدد کوشید که از کشیدن قلیان جلوگیری کند، اما هرگز موفق نگردید.

شاردن در سفرنامه خود مینویسد که، شاه عباس بسیار کوشید تا از استعمال قلیان در بین مردم جلوگیری کند. برای این کار، روزی در مجلسی رسمی دستور داد که بجای تنباکو قلیان مهمانان را با پهن چاق کنند، و سپس در حالیکه آنان مشغول کشیدن قلیان خود بودند گفت که، این تنباکورا که وزیر همدان برای من فرستاده است و ادعا میکند که بهترین تنباکوی دنیاست، چگونه است؟ آنان همگی از این تنباکو تعریف کردند. آنگاه شاه خطاب با آنان گفت «مرده شوی

۳- این عادت بعدها بشرق آمد و در ایران و هند مرسوم شد.



تصویر ۲ - قلیان از سفرنامه شاردن

گرمتر و خشک‌تر از اروپا و ترکیه است، و افکار و اندیشه‌های دقیق‌تر میباشد. لذا اگر بنا بود که مثل ما تدخین کنند، تنباکو آنها را سرگیجه می‌آورد. چون ایرانیان مدام دود میکنند، دود را از تنگ آبی عبور میدهند که تصویر آن در مقابل دیده میشود. (تصویر شماره ۲). اینگونه چیق‌ها را قلیان مینامند. چنانکه ملاحظه میفرمائید بالای بطری (کوزه قلیان) سرچیق (قلیان) که سفالی یا فلزی است، بوسیله لوله‌ای که منتهی‌الیه آن داخل آب شده تعبیه گشته است. در زیر کوزه قلیان چهار پایه‌ای وجود دارد که شبیه زیری بعضی شمعدانها است.

چیق و یاپیپی که بوسیله آن دود کشیده میشود، به لوله مذکور متصل میشود. هنگامیکه میل تدخین دارند اندکی تنباکورا که بسیار ریز سائیده شده، خیس میکنند، و در سر قلیان قرار میدهند، تا سرعت سوخته نشود. آنگاه دو یا سه قطعه زغال مشتعل کوچک را بر روی آن میگذارند، و دود را میکشند که داخل آب گردد، و در آن چرخ میخورد، و بلافاصله بدهان وارد میشود. البته هم مطبوع و هم گوارا، و هم از تند



تصویر ۳ - قبل منقل، از پوست باروکش مخمل و تزیینات برنجی ارتفاع ۷۰، قطر ۵۰ سانتیمتر - موزه مردم‌شناسی

فراوان قرارداد، و خواهش کرد کمی استراحت کنند، تا او جامه تشریفاتی خود را در ببرد، و هنگام سوار شدن بر کالسکه نیز آنرا بر خود مقدم داشت، و باحالتی خوش و چهره‌ای گشاده در میان آندو قرار گرفت، و پادری مترجم نیز بر صندلی مقابل نشست، و باین ترتیب موکب سفیر ایران باشکوه بسیار، در میان بانگهای شادی براه افتاد. محمد رضا بیگ دستور داد که کالسکه را قدری آهسته‌تر برانند، تا بتواند با سوادگی قلیان خود را بکشد، و غلامی که سواره قلیان او را همراه کالسکه می‌آورد، لوله‌نی پیچ را از پنجره بدرون کالسکه تقدیم ارباب خود کرد، و سفیر با آرامش و متانت بسیار بکشیدن

۴- ۵- مایتون و بریتون که اولی از سپهبدان ارتش فرانسه و دومی رئیس تشریفات سلطنتی بود مأمور تنظیم و ترتیب مراسم تشریفاتی محمد رضا بیگ بحضور لوئی چهاردهم بودند.

چیزی را ببرد که نمیتوان آن را از پهن تشخیص داد». سرانجام کار مخالفت شاه عباس بزرگ باتنباکو بتحریم آن کشید، و هنگامیکه در گرجستان متوجه شد، سربازان او پول خود را صرف کشیدن تنباکو و توتون میکنند آنرا ممنوع ساخت، و تجاری را که توتون و تنباکو باردوی او آورده بودند باتنباکوی خود یکجا سوختند، و سربازانی که مرتکب کشیدن توتون و تنباکو میشدند بینی و لبانشان را می‌بردند.

پس از مرگ شاه عباس بزرگ دوباره کشیدن قلیان و چیق رونق گرفت. شاه صفی جانشین شاه عباس بزرگ خود چیق میکشید. در زمان او یکبار دیگر مبارزه علیه کشیدن قلیان آغاز گردید. چنانکه او هوس کرده بود که، از نوشیدن شراب نیز جلوگیری کند. اما مانع عمده این کار درآمد گزافی بود که از راه مالیات عاید خزانه دولت میشد. در این زمان مالیات اصفهان از بابت توتون و تنباکو در حدود ۴۰۰۰۰ تومان و مالیات تبریز ۲۰۰۰۰ تومان و شیراز ۱۲۰۰۰ تومان بود. باتوجه باین ارقام و ارزش تومان صفوی که چند صد برابر تومان امروز است میتوان بمقدار مصرف توتون و تنباکو در این شهرها پی برد.

درباره علاقه شدید ایرانیان بقلیان و چیق مختصری اشاره شد.

اما در اینجا لازم است گفته شود، ایرانیان در هنگام سواری و مسافرت نیز از این کار فارغ نبودند، و رنج سفر را با کشیدن قلیان بر خود آسان میکردند. معمولاً وقتی یکی از بزرگان سفر میرفت همراه با سایر خدمه او، خدمتگزار مخصوصی نیز دستگاه (قبل منقل) را با اسب حمل میکرد (تصویر شماره ۳). در این دستگاه لوازم مربوط بقلیان حمل میکردند، و در ضمن ظرف مخصوصی که در آن آتش را در حال اشتعال حفظ میکرد، با خود همراه داشت. وقتی که ارباب میخواست قلیان بکشد او قلیان را آماده ساخته و در دست خود میگرفت، و نی پیچ را بدست ارباب میداد، تا با آسانی بکشیدن قلیان مشغول شود. نمونه این وضع قلیان کشیدن را، میتوان در مسافرت محمد رضا بیگ سفیر شاه سلطان حسین بدربار لوئی چهاردهم دید. محمد رضا بیگ در تمام مجالس رسمی، قلیان خود را زیر لب داشت، و همیشه دو افسر ایرانی در رکاب او حرکت میکردند که یکی حامل قلیان، و دیگری حامل شمشیر او بود. در مهمانیهای رسمی، او برسم ایرانیان بر مخته تکیه میکرد، و قلیان میکشید، و حتی این کار را در اپرای ماری نیز ترک نکرد. نویسنده سفرنامه محمد رضا بیگ مینویسد:

«بامداد ۱۹ فوریه سپهبد مایتون و بریتون برای مشایعت سفیر ایران بمهمانخانه سفیران آمدند، و او را خوشرو و مهربان یافتند. سفیر ایران آنرا مورد تکریم

قلیان معمولاً از بادگیر، سرقلیان، تنه، میلاب، نی و کوزه تشکیل میشود.

۶- تصویر شماره ۴ که بوسیله یکی از نقاشان معاصر کشیده شده، اگرچه کاملاً با تشریفات شرفیابی سفیر ایران تطبیق نمیکند، ولی تا حدودی آن تشریفات را نشان میدهد.

۷- آخرین بار که در ایران توتون و تنباکو تحریم شد، در سال ۱۲۶۸ زمان سلطنت ناصرالدین شاه بود، که امتیاز فروش توتون و تنباکو بیک نفر انگلیسی داده شد. اما بر اثر مخالفت شدید مردم و تحریم مصرف توتون و تنباکو این امتیاز در سال ۱۲۷۰ لغو گردید.

قلیان پرداخت. « (تصویر شماره ۴). باین ترتیب سفیر ایران بوسیله کالسکه سلطنتی از پاریس عازم ورسای گردید.

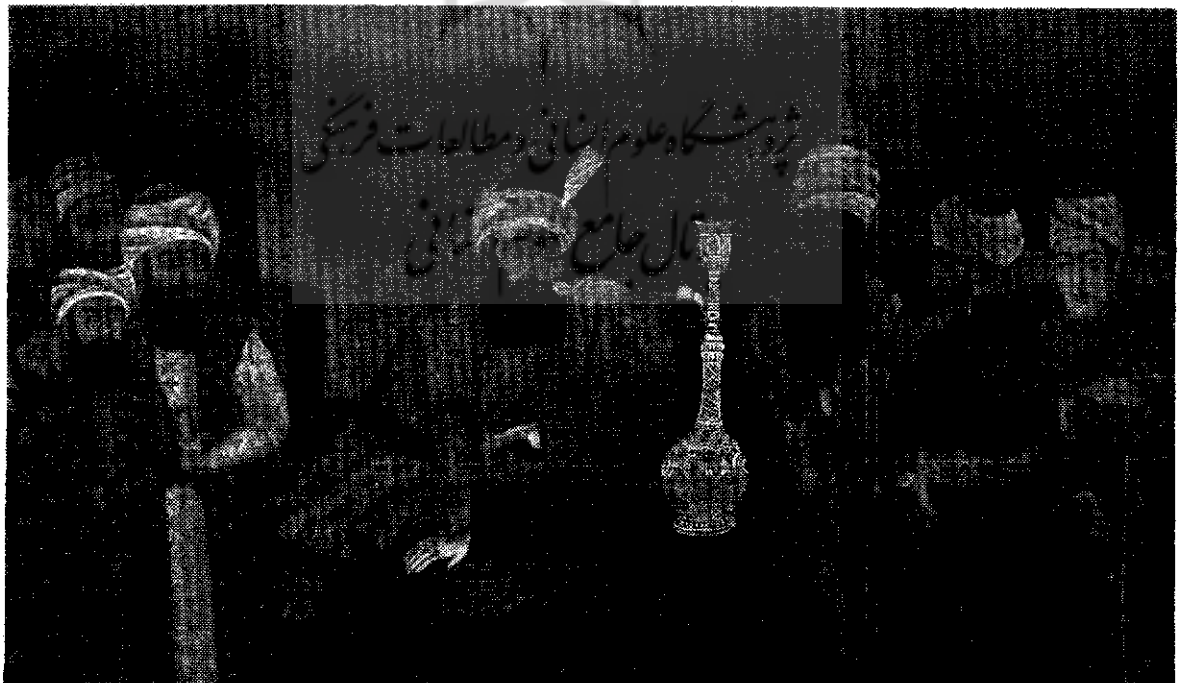
چنانکه گذشت، دود کشیدن در میان پادشاهان صفوی نیز رواج یافت. پس از سقوط سلسله صفوی سایر سلاطین نیز بکشیدن قلیان معتاد بودند. تصاویر موجود از کریمخان زند و کیل‌الرعایا (تصویر شماره ۵) و فتحعلیشاه قاجار (تصویر شماره ۶) نشان میدهد که این دو پادشاه قلیان میکشیدند.

کشیدن قلیان در سلام‌های رسمی دوره قاجاریه نیز تامدتی معمول بود، و قلیان سلام شاهان قاجار هم‌اکنون در موزه جواهرات سلطنتی نگاهداری میشود (تصویر شماره ۷). در مجالس عادی نیز قلیان کشیدن رواج کامل داشت، و بزرگان و علما هر یک قلیانچی مخصوصی داشتند که در کلبه مجالس همراه آنها بودند. در این قبیل محافل بنسبت مقام افراد قلیان آنها را زودتر می‌آوردند، و جمع بخصوصی در این مورد دارای حساسیتی خاص بودند و چه بسیار رنجشها که بر اثر همین دیر و زود آوردن قلیان ایجاد میگردد.

قبل از اینکه بشرح انواع قلیان و تزئینات مربوط بآن بپردازیم، لازم است قطعات مختلف قلیان را بشناسیم.

بالا: تصویر ۴- محمد رضا بیگ سفیر ایران در دربار لویی ۱۴- موزه هنرهای تزئینی

پائین: تصویر ۵- کریمخان زند و شاهزادگان و بزرگان زندیه - موزه هنرهای تزئینی





بالا : تصویر ۶ - فتحعلیشاه
 وشاهزادگان و بزرگان قاجار -
 موزه هنرهای تزیینی

پائین : تصویر ۷ - تنه‌قلیان سلام
 دوره قاجاریه - موزه جواهرات
 سلطنتی

هریک از این قطعات ، از جنس‌های مختلف ساخته شده ،
 و تزییناتی ویژه خود داشت .

قلیان بر حسب نوع مصرف و احتیاج ، باندازه‌ها و اشکال
 گوناگون ساخته میشد . قلیانهایی که معمولا در منازل مورد
 استفاده بود ، اغلب بزرگتر ، بلندتر و سنگین‌تر از انواعی بود
 که بوسیله اشخاص حمل میگرددید .

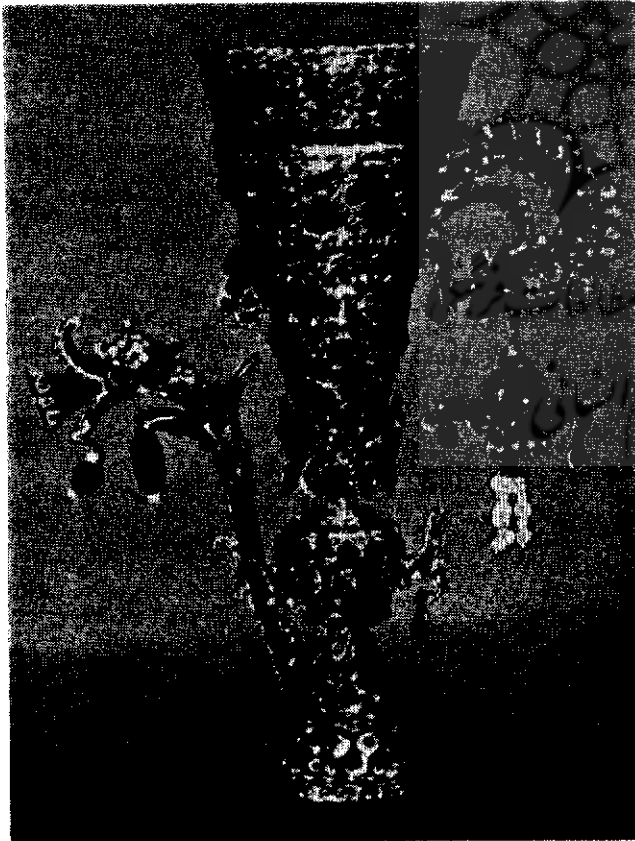
اما از نظر کلی دو نوع مشخص قلیان را میتوان نامبرد .
 اول قلیانهایی که دارای کوزه‌های عادی بودند (تصویر شماره
 ۸) . دوم قلیانهای نارگیله (تصویر شماره ۹) .

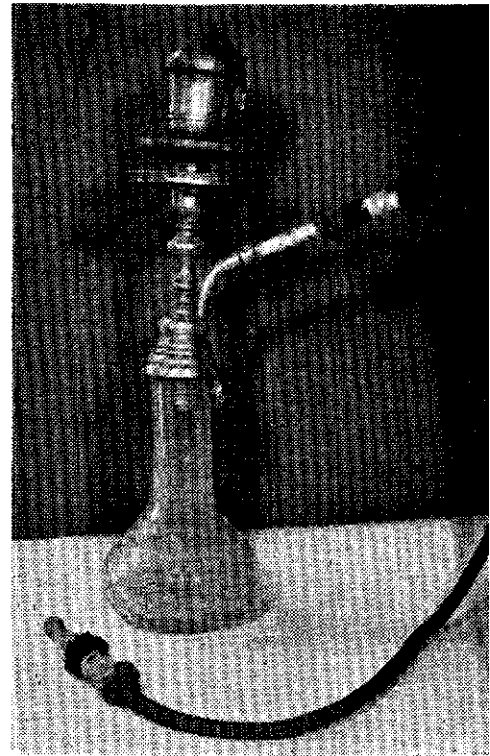
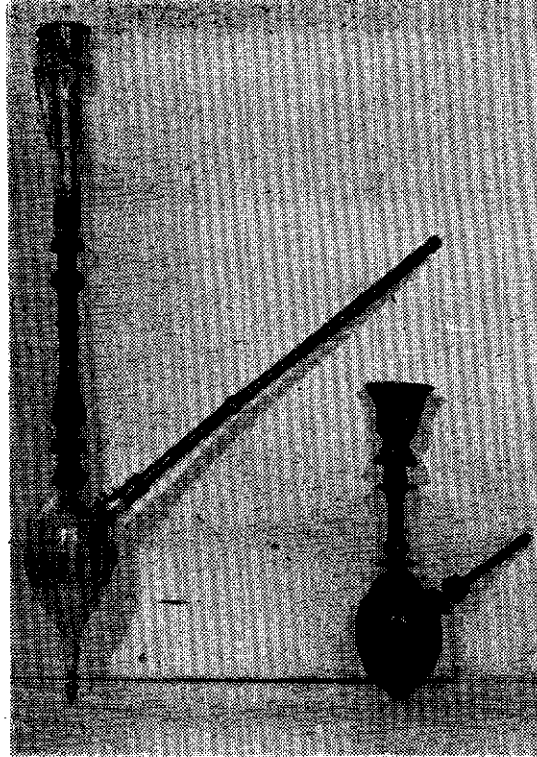
نوع اول معمولا در منازل مورد استفاده بود ، و نوع
 دوم را هم در منازل استفاده میکردند ، وهم در هنگام گردش
 و سواری . بخصوص نارگیله‌های کوچک را بسبب سبکی وزن
 میتوانستند همه جا باخود ببرند .

جنس قلیانها نیز متفاوت بود ، گاهی کلبه اجزاء قلیان
 را از طلا یا نقره میساختند ، و آنرا دانه‌نشان میکردند . (تصویر
 شماره ۱۰) . قلیانهاییکه از سایر فلزات مانند برنج ساخته میشد ،
 اغلب مطلاگردیده یا روی آنرا نقاشی میکردند (تصویر شماره
 ۱۱) . تعداد قلیانهایی که از یک جنس ، بخصوص فلز ساخته میشد ،
 کمتر بود و بیشتر قطعات قلیان را از جنس‌های گوناگون
 میساختند ، که اینک بشرح جنس و نوع تزیینات آنها میپردازیم .

کوزه قلیانها

کوزه قلیانها از جنس شیشه ، سفال ، چوب ، سنگ ،
 کدو ، چینی ، نارگیل و جزآن ساخته میشد . هر یک از این





راست : تصویر ۸ - قلیان باکوزه شیشه‌ای و تنه برنجی و نی بیج - موزه مردم‌شناسی
 وسط : تصویر ۹ - قلیانهای نارگیله بزرگ و کوچک - موزه مردم‌شناسی
 چپ : تصویر ۱۰ - قلیان نقره مليله کاری دانه‌نشان - موزه هنرهای تزئینی
 پائین راست : تصویر ۱۱ - قلیان برنجی نقاشی‌شده - موزه مردم‌شناسی
 پائین چپ : تصویر ۱۲ - کوزه قلیانهای شیشه‌ای و کاشی - موزه مردم‌شناسی



کوزه قلیانها تزئیناتی ویژه خود داشت .
 کوزه‌های شیشه‌ای، نقاشی شده، سفالی، لعاب‌داده
 و نقش‌دار، چوبی و سنگی‌کنده کاری شده، و کوزه‌های فلزی
 ملیله‌کاری و طلاکوبی و دانه‌نشان، یا قلمزده بودند. (تصاویر
 شماره ۱۲-۱۳-۱۴).

تنه قلیان

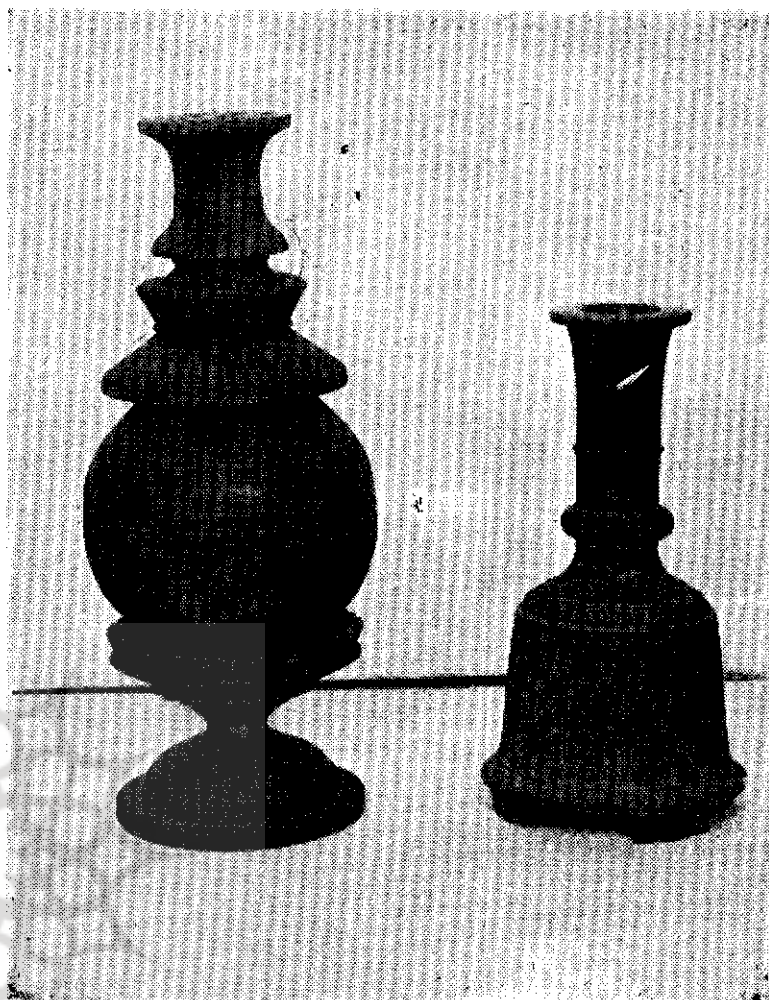
قسمت دوم قلیان شامل تنه یا بدنه قلیان است، که از فلز
 بایبشتر از چوب ساخته میشود. تنه‌های فلزی اگر از فلزات
 گرانبه‌تر مانند طلا و نقره ساخته شده، و دانه‌نشان یا ملیله
 کاری میگردید و اگر از فلزات ارزان، مانند برنج ساخته
 میشد، آنرا مطلقاً کرده یا روی آنرا نقاشی میکردند.

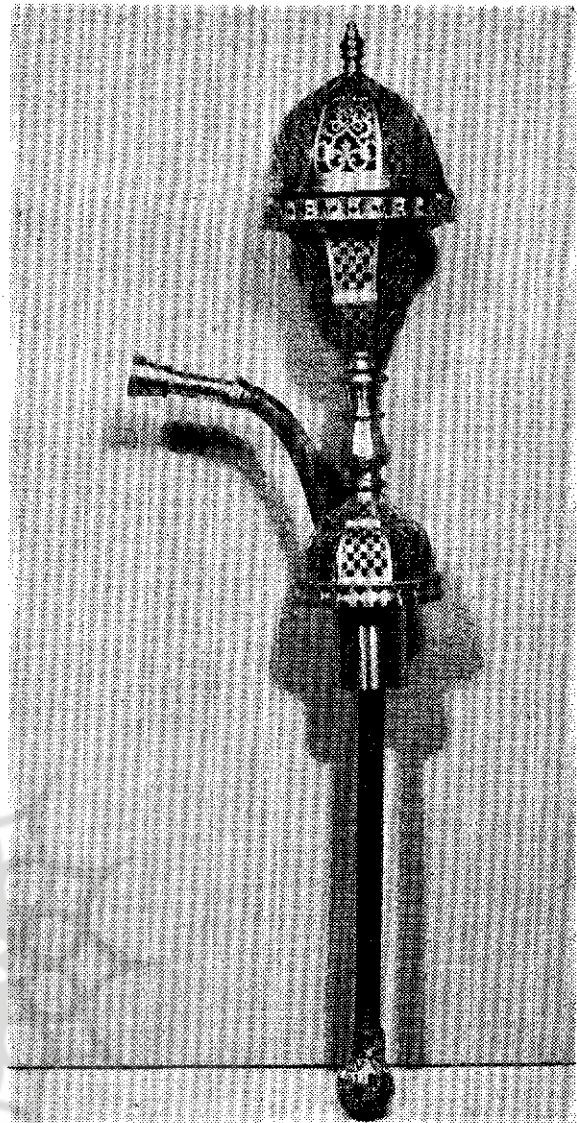
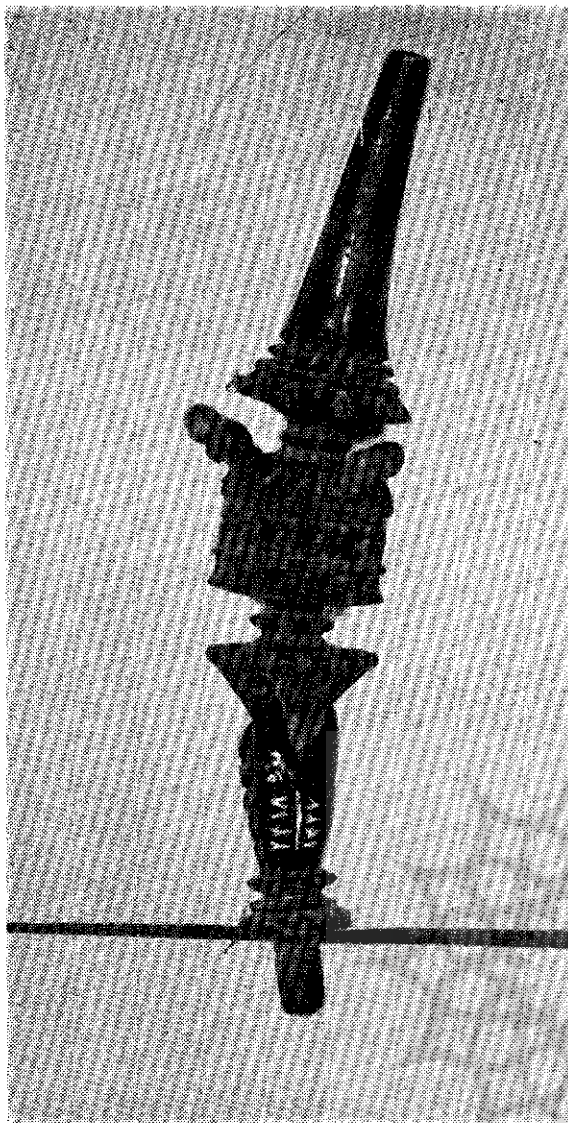
معمولاً قلیانهایی که دارای بدنه فلزی بودند سر قلیان
 و بادگیر آنرا چسبیده بنته میساختند (تصویر شماره ۱۵).
 توجه بترتیب قلیان را میتوان در تصویر شماره ۱۵ ملاحظه
 کرد. این تنه قلیان مطلقاً علاوه بر آنکه تماماً مشبک ساخته
 شده، انتهای میلاب آن نیز که در کوزه، داخل آب قرار
 میگیرد میناکاری شده است.

تزئینات تنه‌های ساخته شده از چوب، بطور کلی شامل
 کنده‌کاری است که اغلب بسیار پرکار و جالب توجه است
 (تصویر شماره ۱۶). نی و میلاب قلیانها اغلب از جنس بدنه
 قلیان ساخته میشود. نی بیج نیز بسبب حالت فلزی و نرمش
 خاص، مورد مصرف بسیار داشت.

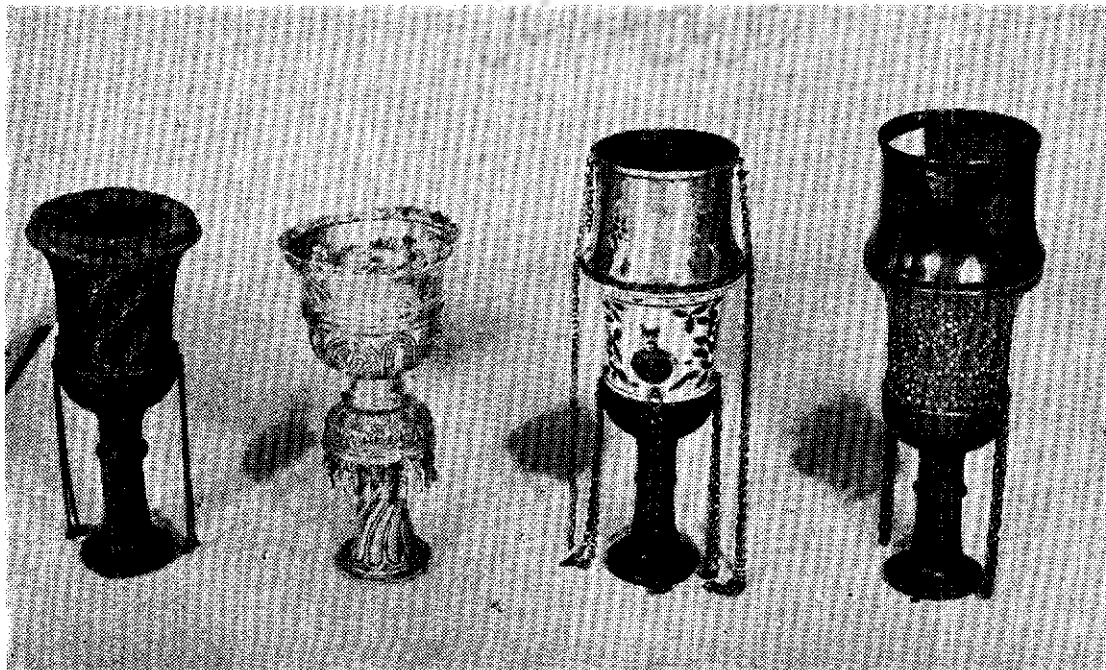
بالا: تصویر ۱۳ - کوزه قلیانهای سنگی و چوبی کنده‌کاری شده -
 موزه مردم‌شناسی

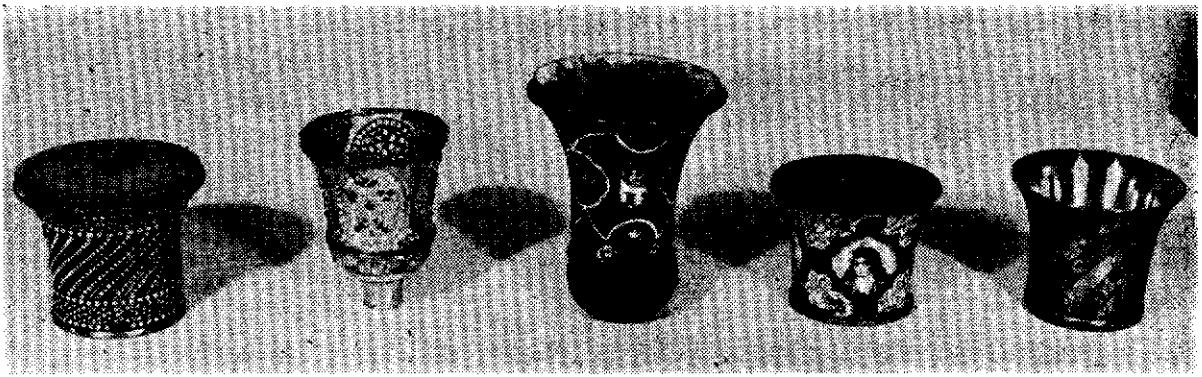
پائین: تصویر ۱۴ - کوزه قلیانهای نقره کنده‌کاری شده و سفالی
 نقاشی شده - موزه هنرهای تزئینی





راست : تصویر ۱۵ - تنه قلیان مطلای مشبک - موزه هنرهای تریبنی
 چپ : تصویر ۱۶ - تنه قلیان چوبی کنده کاری شده - موزه مردم شناسی
 بائین : تصویر ۱۷ - سر قلیانهای کامل با تزیینات گوناگون - موزه هنرهای تریبنی





بالا : تصویر ۱۸ - سرقلیانهای دانه‌نشان میناکاری طلاکوبی‌شده -
موزه هنرهای تزئینی
وسط : تصویر ۱۹ - مجموعه‌ای از چپق‌های گوناگون -
موزه مردم‌شناسی

سرقلیان

سرقلیان شامل دو قسمت است : قسمتی که برای اتصال به تنه قلیان است ، و قسمت کیف مانند که جای تنباکو و آتش میباشد . این دو قسمت را گاهی از یک جنس وزمانی متفاوت میساختند (تصویر شماره ۱۷) . معمولاً قسمت زیرین از چوب و قسمت بالائی از چینی ، سفال و یا فلز است . ولی در هر حال قسمت بالائی در همه سرقلیانها دارای تزییناتی میباشد ، و سرقلیانها همگی دانه‌نشان یا میناکاری شده و پاکنده‌کاری شده‌اند (تصویر شماره ۱۸) . برای تزیین سرقلیانها ، اغلب زنجیرهای ظریفی نیز با طرف آن آویزان میکردند . بادگیرها بطور کلی از جنس نقره ساخته میشد و اغلب مشبک و کنگره‌دار بود.

چپق

چپق که وسیله دیگری برای دود کردن بود ، اگر چه در ابتدا حتی بعضی از پادشاهان مانند شاه صفی از آن استفاده میکردند ، اما بتدریج از مقام و منزلت آن کاسته شد ، و بیشتر مورد استفاده مردم عادی قرار گرفت . چنانکه این وضع امروز نیز در ایران وجود دارد .

اما نباید تصور کرد که ، چون چپق وسیله دود کردن مردم عادی بود ، از تزیین بی‌بهره ماند . بعکس انواع و اقسام تزیینات در ساختمان چپق بکار رفت . این تزیینات بیشتر شامل چوب چپق‌ها بود ، که گاهی کوتاه وزمانی به بلندی یکمتر می‌رسید .

ساختن چوب چپق و سرچپق نقره ، امری عادی بود ،

تصویر ۲۰ - چوب‌سیگار از نقره و سنگ تراش‌دار - موزه هنرهای تزئینی



زیبایی از طلا و نقره و خاتم و منبت ساخته شدند، که اغلب کنده کاری شده، یا ملیله کاری شده‌اند (تصاویر شماره ۲۱-۲۲). باین ترتیب آمیختگی هنر با زندگی روزمره ایرانیان، که مورد بحث قرار گرفت بخوبی هویداست و باز پیداست که، باین مهمان نورسیده (تنباکو) چگونه لباس ایرانی پوشیدند، که اگر کریستف کلمب و همراهانش، و یا بومیانی که خود مبتکر (توبا کوس) بودند زنده میشدند، قادر نبودند بفهمند که، این وسیله سر تا پا تزئین شده از طلا و نقره و فیروزه و یاقوت برای دود کردن تنباکو است.

*

در پایان این سخن، لازم است توضیحاتی درباره کلمات تنباکو، توتون، قلیان و چیق داده شود. واژه تنباکو چنانکه پیداست از ریشه کلمه تابا کوس گرفته شده که وسیله دود کردن بومیان امریکا بوده است. توتون واژه‌ای ترکی است بمعنی دود. چیق ترکی شده واژه چوبک فارسی است. قلیان یا غلیان را بعضی اعتقاد دارند بسبب آنکه حرکت آب در کوزه شبیه بقلیان یعنی جوشش است باین نام خوانده‌اند.

و بسیاری از چیق‌ها، دارای سر چیق و چوب نقره قلمزده، یا کنده کاری بودند. زمانی نیز چیق را از فولاد میساختند، و روی آنرا طلا کوب یا نقره کوب میکردند.

چوب چیق‌های خاتم کاری، یا منبت کاری نیز معمول و متداول بود. دانه‌نشان کردن چیق با سنگهای قیمتی بخصوص فیروزه از دیرباز رواج داشت و هنوز نیز دیده میشود. تصویر شماره ۱۹ مجموعه‌ای از چیق‌های گوناگون را، با تزیینات مختلف نشان میدهد.

بارواج روز افزون سیگار که از نظر حجم، وزن و سهولت دود کردن بر چیق و قلیان برتری داشت، روز بروز بر تعداد کسانی که از این وسیله جدید دود کردن استفاده میکردند افزوده شد. ناچار بمرور از توجه مردم بچیق و قلیان کاسته گردید. تا جایی که امروز این دو وسیله تاحدی منسوخ شده بحساب می‌آیند. اما برای دود کردن سیگار نیز، ابزار و وسایل زیبایی جدیدی ساخته شده. تصویر شماره ۲۰ دو چوب سیگار را نشان میدهد که یکی از جنس سنگ تراش دار، و دیگری از نقره ملیله کاری با سری از کهر با ساخته شده.

جعبه‌های سیگار و کبریت نیز، بنوبه خود در نهایت

بالا: تصویر ۲۱ - جعبه سیگار نقره کنده کاری شده - موزه هنرهای تریینی

پائین: تصویر ۲۲ - جعبه سیگار مطالی کنده کاری، جعبه سیگار و کبریت مطلا ملیله کاری شده - موزه هنرهای تریینی

